

وندیداد ساده

دستویس بلند آوازه ساموئل گایزه در کتابخانه ملی ملک تهران

به کوشش:

حمیدرضا دالوند

کتابیون مزدآپور

www.ketab.ir


نشر بوسم

تهران ۱۴۰۲



کتابخانه ملی و اسنادخانه ایران

عنوان قرار دادی	: اوستا، وندیداد
عنوان و نام پدیدآور	: Avesta. Vandidad
مشخصات نشر	: وندیداد ساده: دستنویس بلند آوازه ساموئل گایزه در کتابخانه ملی ملک تهران/ به کوشش حمیدرضا دالوند، کتایون مزداپور.
مشخصات ظاهری	: تهران: نشر برسم، ۱۴۰۲.
شابک	: 585 ص. 978-622-7138-55-9
وضعیت فهرست نویسی	: فیا
یادداشت	: ص.ع. به انگلیسی: HamidReza Dalvand, Katayun Mazdapur. Vandidad
	: Sade: The well Know MSS of samuel guise in national library of malek in Tehran
عنوان دیگر	: دستنویس بلند آوازه ساموئل گایزه در کتابخانه ملی ملک تهران.
موضوع	: اوستا، وندیداد
	: Avesta. Vandidad
شماره افزوده	: دالوند، حمیدرضا، ۱۳۴۹ -، گردآورنده
شماره افزوده	: مزداپور، کتایون، ۱۳۲۲ -، گردآورنده
رده بندی کنگره	: PIR ۱۷۷۴
رده بندی دیویی	: ۸۲۷۲۹۵
شماره کتابشناسی ملی	: ۹۵۱۰۵۱۲
اطلاعات رکورد کتابشناسی	: فیا

عنوان کتاب: وندیداد ساده

دستنویس بلند آوازه ساموئل گایزه در کتابخانه ملی ملک تهران

به کوشش: حمید رضا دالوند، کتایون مزداپور

شابک: ۹۷۸-۶۲۲-۷۱۳۸-۵۵-۹

تیراژ: ۱۰۰ نسخه

چاپ: نخست

سال نشر: زمستان ۱۴۰۲

۱۸۸۰۰۰ تومان

AN

نشر برسم

تمامی حقوق چاپ و نشر این کتاب محفوظ است.

این اثر تحت حمایت قانون حمایت از حقوق مؤلفان، مصنفان و هنرمندان ایران قرار دارد. تکثیر، انتشار، بازنویسی، ترجمه یا اقتباس از این اثر یا قسمتی از آن به هر شیوه‌ای از جمله فتوکپی، نشر الکترونیکی، ضبط و ذخیره در سیستم‌های بازیابی و پخش بدون دریافت مجوز کتبی از ناشر ممنوع است.



9786227138559

فهرست

۷	یادداشت
۹	دیباچه
۱۱	ترجمه مقدمه
۲۵	End note
۲۹	Note
۳۱	Preface
۴۷	متن و نبدیداد ساده (نسخه خطی)

یادداشت

اگرچه اوستا کهن‌ترین متن فرهنگ ایران است ولی از سده ۱۲/۱۸م به این سو بیشتر پارسیان هند و دانش‌پژوهان اروپایی بودند که در ویرایش و چاپ علمی آن کوشیدند. از این رو شناخت، شناساندن و فراهم آوردن دسترسی همگان، به‌ویژه پژوهشگران به دست‌نوشته‌های اوستایی که در ایران نگهداری می‌شود؛ امری بایسته است.

دست‌نویس پیش رو از جمله دست‌نوشته‌های درخور و شناخته شده در میان اوستاشناسان است که پس از سفری دور و دراز و نزدیک به ۳۰۰ سال دست به دست گشتن در میان مجموعه‌داران و کتابخانه‌های بزرگ و کوچک جهان، سرانجام در مینن‌واستین خود ایران آرام گرفته و اینک در کتابخانه ملی ملک تهران نگهداری می‌شود.

بر پایه تفاهم‌نامه‌ای که با متولیان آن کتابخانه به امضا رسید، این دست‌نویس بررسی و شناسایی شد. از آنجا که چنین اثر گرانبهایی بخشی از میراث قابل ثبت ایرانیان در حافظه جهانی است و فراوان جویندگان در سراسر گیتی هستند که بی‌تابانه دسترسی بدان را انتظار می‌برند، با محترم شمردن حق مالکیت کتابخانه ملی ملک و در راستای اهداف فرهنگی بانی و گردانندگان محترم آن موسسه که امری جز نگهداری و نشر میراث مکتوب ایران نیست، بر آن شدیم تا با یاری و انتشارات برسم آن را در دسترس پژوهندگان و فرهنگ دوستان بگذاریم. کتاب پس از اسکن شدن، با پردازش‌های گرافیکی لازم و برداشتن زمینه زرد رنگ برگ‌های آن آماده چاپ شد.

در این راه مدیون تلاش بسیاری از پژوهشگران، فرهنگ‌دوستان و کارگزاران فرهنگی دلسوز کشورمان هستیم: استاد ارجمند جناب آقای دکتر محمدتقی راشد محصل متن دیباچه را خواندند و نکات سودمندی یادآور شدند. عزیزان بخش دست‌نوشته‌های کتابخانه ملی ملک به‌ویژه جناب آقای حکمتی و جناب آقای دولت‌شاهی دسترسی ما را به دست‌نویس میسر ساختند. در چاپ محدود و دیجیتالی سال ۱۳۹۳، جناب آقای دکتر حمیدرضا آیت‌اللهی رئیس محترم پژوهشگاه علوم انسانی و مطالعات فرهنگی، جناب آقای دکتر شهرام یوسفی‌فر معاون محترم پژوهشی و مدیر

محترم انتشارات جناب آقای ناصر زعفرانچی زمینه چاپ کتاب را فراهم آوردند. همچنین سرکار خانم شیما جعفری دهقی زحمت ترجمه را کشیدند و بانوی هنرمند شهره خوری از موسسه ستیا مینا گرافیک هنرمندانه آن را پرداختند. در چاپ اخیر که به صورت کاغذی منتشر می شود، مرهون لطف و گشاده دستی انتشارات برسم هستیم که در شرایط بد اقتصادی امروز به معنی واقعی کلمه کار غیر انتفاعی کردند. کوشش همه عزیزان را ارج می نهیم و یاری شان را سپاس می گوئیم.

کوشندگان

www.ketab.ir

دیباچه

دستویسی که به شماره ۶۵۴۹ در تاریخ ۱۳۷۷/۱۲/۲۰ خورشیدی در گنجینه دستوشته‌های کتابخانه ملی ملک تهران وابسته به استان قمس رضوی ثبت شده است، کتابی است در قطع رحلی با «جلد چرم آلبالویی، ترنجدار با دو سر ترنج روی جلد، خط طلایی و حاشیه جلد کاغذ گل برجسته، عطف قهوه‌ای میله‌دار، داخل جلد کاغذ رنگ شده، کاغذ کرم، ۱۹ سطر، ابعاد ۳۰×۳۹، تعداد صفحات ۵۳۲ صفحه و ۲۶۷ برگ»^۱. صفحه‌شماری که با مداد به خط فارسی در گوشه بالایی سمت راست قسمت ب یا پشت برگ‌های کتاب رقم خورده است، در صفحه پایانی به ۵۳۲ ختم می‌شود، یعنی کتاب دارای ۵۳۲ صفحه است. اما به این رقم دو صفحه بیاض، یکی در آغاز کتاب (برگ ۱ الف) و دیگری در پایان آن (برگ ۲۶۷ ب) را باید افزود و تعداد صفحه‌های آن را ۵۳۴ صفحه دانست. این کتاب، برخلاف وندیدادهای ایرانی که کارنامه یا یادگاری به میانه متن دارند^۲، دارای انجامه‌ای به سه صورت زیر است: الف- به پازند (زبان فارسی نو ولی به خط اوستایی) در ۱۲ سطر^۳؛ ب- گویا به خط گجراتی در ۱۰ سطر؛ ج- به خط و زبان فارسی در ۱ سطر.

آنچه به نظر می‌رسد این که انجامه الف، انجامه اصلی است. قسمت هندی نیاز به بررسی بیشتری دارد و تنها حدس می‌توان زد انجامه‌ای دیگر به گجراتی یا یکی از زبان‌ها و گویش‌های هندی باشد ولی انجامه سوم نشان می‌دهد که کاتب تسلط چندانی بر خط فارسی نداشته است، زیرا نیمه دوم همین یک سطر نیز ناخوانا و پر از اشکال است و به دشواری می‌توان آن را حدس زد^۴. به هر روی متن انجامه نخست به این شرح است:

"tamam šuṭ nusk kētāb juṭ dēβdāt ba rōj frux xursēt
aizaṭ va ba mubārak xōrdāδāt amēšāspēnaṭ az sāl bar yak
hazarō saṭō dō yazdjōurt šāheryār . v[a] kātēb īn kitāb
kamīni kamtrīn dārāb hērbaṭ rūstēm hērbaṭ xursēt hērbaṭ
vīkjī bīn rūstēm bīn kaδavā sākēn kasba nōšārī baṇdar sūrat
. naištah šuṭ harki xanaṭ āfrīn rasanaṭ kār framāiṭ bar īn gēθī
duāi xušī v[a] tan durustī kunaṭ v[a] dar mīnō āfrīn anaoša
ravaṇ garōθamaṇī rasanaṭ."

www.ketab.ir

ترجمه:

«تمام شد نسك كتاب جد ديودات به روز فرخ خورشيد ايزد و به مبارك [ماه] خرداذ امشاسپند از سال بر يك هزار و صد و دو يزدجرد شهريار. و كاتب اين كتاب كمين كمترين داراب هيريد رستم هيريد خورشيد هيريد ويكيچي بن رستم بن كدوا ساكن قصبه نوساري بندر سورت. نوشته شد هر كي خواند آفرين رساند. كار فرمايد. بر اين گيتي دعاي خوشي و تندرستي كند و در مينو آفرين انوشه روان گروثماني رساند.»

ميان اين انجامه و انجامه گجراتي جاي دو سطر خالي است كه بعدها كسي با خط و قلمي ديگر دو عبارت: «پاك دافار هوره مزده» و «شادي باد» را افزوده است. بر اساس اين ترقيمه كتاب به سال ۱۱۰۲ ي برابر ۱۱۱۲ خ، ۱۱۴۶ ق و ۱۷۳۳ م به نگارش درآمده است (سده ۱۲هـ / ۱۸م)^۵.

در صفحه بياض آغاز و انجام كتاب نوشته و نشان هايي وجود دارد كه در روشن ساختن سرگذشت اين دستنويس و چگونگي رسيدن آن از هند به كتابخانه ملي ملك در ايران شايد توجه است. آوردن اين سرگذشت البته ما را بى نياز از پرداختن به اطلاعات كاتب و دارندگان كتاب نمى سازد. با وجود اين، سيري از سفر دو قرن اخير دستنويس مورد بررسى را نشان مى دهد كه احتمال مى رود نظايرى نيز داشته باشد. به تازگي اورسلا سيمز و يليامز مقاله ارزشمندي درباره سرگذشت مجموعه سامونل گايژه در سده ۱۸م نوشته كه بسيار رهگشا است. بر پايه نوشته هاي او، سامونل گايژه ۸ نوامبر ۱۷۵۱م در نيوكاسل انگلستان زاده شد. نياي وي بنام ويليام گايژه از شرق شناسان آكسفورد (حدود ۱۶۵۲-۱۶۸۳م) بود. سامونل در كالج ماريشال در آبردين پزشكي خواند و در ۲۳ آگوست ۱۷۷۵م به سمت جراح در كمپاني هند شرقي در بمبني منصوب شد. او در كارخانه كمپاني در آنجنگو كار مي كرد. سالهاي ۱۷۸۱-۱۷۸۲م در جنگ دوم ميسور شركت داشت و از ۱۷۸۸ تا پايان ۱۷۹۵ سرپرست تيم جراحي بيمارستان كارخانه كمپاني هند شرقي در

بندر سورت بود. در ۱۸۹۶م بخاطر بیماری از هند به انگلستان بازگشت و دیگر به هند نرفت تا اینکه سرانجام در ۹ مارس ۱۸۱۱م درگذشت.^۶

گایزه در کنار پزشکی به مجموعه‌داری علاقه داشت و در گردآوری نسخه‌های خطی، سکه، مدال و دیگر یادمان‌های کهن فرهنگی می‌کوشید. طی سال‌های ۱۷۷۷ تا ۱۷۹۲، یعنی سراسر روزگاری که در هندوستان بود، مجموعه‌ای از کتاب‌های خطی فارسی، عربی، هندی و زرتشتی به اوستایی و پهلوی فراهم آورد و در فهرست سال ۱۷۹۳م، تعداد ۳۰۵ عنوان از آثار این مجموعه را معرفی کرد. او تا پایان عمر بر این مجموعه افزود و در ۱۸۰۰م و نیز ۱۸۱۲م، یک سال پس از مرگش، دو فهرست دیگر از مجموعه یادشده انتشار داد.^۷ بر آن بود تا مجموعه‌اش به کتابخانه کمپانی هند شرقی واگذار شود. در آوریل ۱۸۰۷م این موضوع را به وصیت‌نامه‌اش افزود. اما پس از مرگش چنین نشد و در ۱۸۱۲م مجموعه یادشده را در لندن به حراج گذاشتند.^۸

بخش عمده مجموعه گایزه میراث ایرانیان به اوستایی، پهلوی و فارسی نو بود. حضور درازمدت او در سورت و آشنایی با پارسیان هند به فراهم آمدن این آثار انجامید. خرید ماترک دستور داراب (درگذشته ۱۷۷۲م) معلم آنکتیل دو پرون معروف از جمله فرصت‌هایی است که بر مجموعه‌اش غنا بخشید. گایزه آثار خریداری شده داراب را دوباره جلد کرد و مرمت نمود. همچنین افزون بر فارسی و گجراتی، یادداشت‌هایی به انگلیسی درباره هر اثر بر پشت کتابها نوشت.^۹

در حراج ۱۸۱۲م، تعداد ۳۴ اثر زرتشتی به اوستایی و پهلوی از مجموعه گایزه فروخته شد. چارلز ویکلینز کتابدار ایندیانا آفیس بیشتر آثار آن مجموعه را خرید که امروز در کتابخانه بریتانیا (BL) نگهداری می‌شوند. اما برخی از آثار به دست دیگر خریداران افتاد که از آن جمله است دستنویس ش ۴۳ جدول حراج سال ۱۸۱۲م یعنی ونیداد ساده‌ای که همین دستنویس کتابخانه ملی ملک می‌باشد.^{۱۰} به قیمت ۵ پوند و ۵ پنس به ملک (شاید کتابفروشی Black & co). فروخته شد. سپس به دست کتابفروشی بنام توماس رود افتاد و سر توماس فیلیس در حدود ۱۸۳۷ آن را خرید.^{۱۱} گویا این اثر تا ۱۹۷۴م به شماره ۷۰۹۰ در شمار مجموعه ایشان نگهداری می‌شد، در این سال به مبلغ ۳۸۰ پوند به د. اخوان زنجانی فروخته شد.^{۱۲} سرانجام هم به کتابخانه ملی ملک تهران راه یافت و جزء دارایی‌های آن به شماره ۶۴۵۹ در بیستم اسفند ۱۳۷۷ خ ثبت گردید. گفتنی است علی‌رغم پی‌گیری نگارنده چگونگی ورود آن به ایران و نحوه فروش آن به کتابخانه ملک مشخص نشد.

در صفحه بیاض آغاز کتاب (برگ ۱ الف) دو مهر و دو نوشته وجود دارد: نخست مهر ثبت کتابخانه ملی ملک تهران در گوشه سمت چپ بالای صفحه که متاخر است و ثبت آن به شماره

۶۵۴۹ در تاریخ ۱۳۷۷/۱۲/۲۰ را نشان می‌دهد؛ دیگری نقش شیری ایستاده، به میان صفحه با عبارتی به زبان انگلیسی در زیر آن^{۱۳} و نیز دو شماره «۷۰۹۰» و «۲۱۶۴۳» که هر دو با مداد افزوده شده‌اند. این مهر و شماره باید از آن سرتوماس فیلیپس باشد که زمانی مالک اثر بوده و حتی به معرفی آن نیز پرداخته است^{۱۴}. فزون بر این، زیر مهر کتابخانه ملک عبارتی به خط فارسی آمده: «وندیداد زند اوستا هست» و نیز در بالایی سمت راست همین صفحه به خط سرخ کمرنگ عبارت انگلیسی: "vendidat zend avesta" دیده می‌شود.

صفحه بیاض پایان کتاب (برگ ۲۶۷ ب) تا میانه پر از یادداشت است. عبارت‌هایی به سه خط و زبان انگلیسی، گجراتی و فارسی به گزارش زیر:

N.331

Ph7090¹⁵

This vol. contains :1.vendidat sade,2. Izeschne sade,3.visperd sade}zand.

Wrote AD 1670,page530¹⁶.

For an account of this book see Anquetil du perron also annual register 1762, page 112 till 121; and Guise's printed catalogue 4th,no.43 and also 42 & 44.

See Guise's catalogue 1812,no.42-43¹⁷.

همچنین در پایین صفحه به صورت وارونه باز شماره‌های «Ph ۷۰۹۰» و «۲۱۶۴۳» مربوط به مالکیت سر توماس فیلیپس دیده می‌شود.

متن گجراتی پنج پاره خط در ابعاد کوچک به شکل يك کتیبه در سمت راست عبارات انگلیسی دیده می‌شود. متن فارسی نو نیز يك جمله است: «وندیداد با یزشن و با ویسپرد نوشته».

آن گونه که در یادداشت مالکان بر صفحه بیاض پایان اثر بدرستی آمده است، دستویس یاد شده «وندیداد ساده» است. وندیداد یکی از پنج بخش اوستای موجود و تنها نسل از ۲۱ نسل اوستای روزگار ساسانی است که تا به امروز باقی مانده است. «وندیداد ساده» اصطلاحی است که در برابر «وندیداد همراه با ترجمه پهلوی» بکار می‌رود. به اصطلاح سنت رایج میان اهل دین: «فقط زند تنها»، متن اوستایی که ترجمه و تفسیر ندارد. کاربرد اصلی آن سرودن در مراسم یزشن است. بطور کلی دستویس‌های موجود اوستا به دو دسته تقسیم می‌شوند: آنهایی که فقط متن

اوستایی هستند و با صفت «ساده» توصیف می‌شوند مانند ویسپرد ساده، یسنای ساده، و جز اینها؛ دیگری آنهایی که متن اوستایی‌شان با ترجمه پهلوی همراه است.^{۱۸}

دستویس‌های وندیداد ساده تنها در بردارنده نسک وندیداد خالص نیستند بلکه متن یسنا ویسپرد هم همراه آنها است. به سخن دیگر، سه کتاب یسنا، ویسپرد و وندیداد طی نظامی ویژه به منظور سرایش در مراسم یزشن ترکیب شده‌اند و در يك کتاب واحد و مستقل گردآمده‌اند. درباره زمان پیدایش چنین تحوّل‌ی در مجموعه متون مقدس زرتشتیان جای بحث است. گلدنر وندیدادهای ساده را اقتباسی از صورت همراه با ترجمه آنها می‌داند و به نظر وی سخت است که وندیداد روزگار ساسانی بدون ترجمه پهلوی تصور شود. او بر این ادعا شواهد و دلالتی را ارائه کرده است.^{۱۹} بویس نیز ورود وندیداد به متون یسنا/ یزشن شبانه را تحوّل‌ی مربوط به روزگار پس از اسلام می‌داند و تلاشی برای اهل کتاب شناخته شدن زرتشتیان از سوی جامعه اسلامی ارزیابی می‌کند.^{۲۰} مراسم «یسنا/ یزشن شبانه»^{۲۱} با آیین مرگ در پیوند است و قرائت اوستا، به‌ویژه وندیداد از روی کتاب بر بالای سر انسان محضر رسمی است که تا به امروز در میان زرتشتیان باقی مانده است و وندیداد این کارکرد را حفظ کرده است.^{۲۲}

اما از روی شواهد می‌توان گفت که پدیدآمدن چنین ترکیبی برای سرایش بخشهای مهمی از اوستای بازمانده کنونی، یعنی یسنا و ویسپرد و وندیداد قدمتی بس بیش از عهد ساسانیان دارد. نخست این که بخشهایی از ویسپرد در میانه و لابه‌لای یسنا می‌آید و به سان گره‌ها و میانندهایی پاره‌های آن را به هم پیوند می‌زند. دیگر این که توصیف چنین شیوه سرایش و ترکیبی را که نظامی پیچیده و سنجیده دارد، در متون کهنی چون فصل سیزده شایست ناشایست (چم گاهان) و نیز در دستویس ف ۱۱ گنجینه دستوشته‌های اوستا و پهلوی می‌بینیم. پیشینه این شیوه سرایش و ترکیب متون مقدس را در نیرنگستان هم می‌توان یافت.^{۲۳} در این ترکیب، خواندن یسنا و وندیداد، سرانجام به سرایه موسوم به «اتیریمن ایشیو» (یسن ۵۴، وندیداد فرگرد ۲۲ بندهای ۹ و ۱۳ و ۱۹، ویسپرد کرده ۲۴ بند ۲) می‌رسد و سپس دیگر بخش‌های یسنا را می‌سرایند. در هریک از این سه، به شیوه و شکلی خاص «اتیریمن ایشیو» می‌آید و با آن سرودن یسنا و وندیداد و ویسپرد به یکدیگر می‌پیوندد. وجود چنین طرحی در شیوه سرایش یزشن به دورانی باز می‌گردد که زبان اوستا هنوز زنده و کاملاً مفهوم و رایج بوده است. چنین عهدی را نمی‌توان چندان متاخر دانست.

شمار چشمگیری از دستویس‌های برجای مانده از اوستا وندیداد ساده هستند. اگرچه آنها را به دو دسته ایرانی و هندی تقسیم کرده‌اند ولی گلدنر بر این باور است که همه آنها ترکیب و سازمانی مشترک دارند و در نهایت الگویی واحد را دنبال می‌کنند.^{۲۴} و تفاوت‌های دو گروه هندی و ایرانی بیشتر به سبک نوشتار، خط، نقطه‌گذاری، سرعنوانها و مسائلی از این دست ختم می‌شود.^{۲۵}

گلدنر در متن انتقادی که سال‌های ۱۸۸۶-۱۸۹۶م از دست‌نوشته‌های اوستا پدید آورد، از ۱۹ دست‌نویس و نندیداد ساده استفاده کرد.^{۲۶} از دست‌نویس L.۱ (لندن، ایندیانا آفیس) دارای تاریخ مجعول ۸۰۴/ی ۱۴۳۵م که بگذریم، نسخه Mf۲ متعلق به کتابخانه ملا فیروز در بمبئی که توسط خسرو انوشیروان ماه ونداد به سال ۹۸۷/ی ۱۶۱۸م در ترک آباد یزد نوشته شده است، کهن‌ترین آنهاست و برخی دست‌نوشته‌ها مانند L.۵ نگاشته ۱۷۹۲م در بمبئی و یا ML.۱ از آن مانکجی لیم جی هوشنگ هاتریا در تهران، متأخرترین آنها هستند. آنچه که از توصیف‌های گلدنر بر می‌آید، تنها یک دست‌نویس، نسخه Mf۲ یا همان کهن‌ترین دست‌نویس این مجموعه؛ دست‌نویس ایرانی است و نسخه مانکجی درست توصیف نشده و بر می‌آید فقط محل نگهداری آن تهران است نه مکان نگارش آن. به هر روی چاپ گلدنر نشان می‌دهد بیشتر دست‌نویس‌ها هندی و از آن کتابخانه‌های هند و اروپا بوده‌اند و سهم دست‌نویس‌های ایرانی به لحاظ کمی در بخش وندیداد اندک است، اگرچه نسخه Mf۲ به لحاظ کیفی نقش به سزایی در کار وی داشته است. البته در سال‌های اخیر دست‌نویس‌های ایرانی مختلفی معرفی شده است که در کار گلدنر مورد استفاده قرار نگرفته‌اند.

وجود نقطه در پایان هر واژه، سرعنوان و توضیحات آیینی به گجراتی که به اصطلاح کریا (kiria/kirya) گفته می‌شود و سنت ایرانی نیونگ می‌خوانند، وجود انجامه‌های پازند، فارسی و گجراتی، خط راست در برابر خط مایل و به هم پیوسته دست‌نویس‌های ایرانی، تعداد به نسبت زیاد و نگارش در فاصله سده‌های ۱۱-۱۲/ی ۱۷-۱۸م، از جمله ویژگی دست‌نوشته‌های وندیداد ساده هندی هستند. در برابر، دست‌نوشته‌های ایرانی در سنجش با گونه هندی هم‌زمان خود صحیح‌تر و قابل اعتمادتر هستند.^{۲۷} گلدنر نسخی را که از وندیداد ساده هندی بررسی کرده، به دو دسته تقسیم می‌کند:^{۲۸}

الف. گروه برتر شامل سه دست‌نویس Br.1 از آن بهمن جی رستم جی، نگاشته در ۱۱۱۸/ی ۱۷۴۸م؛ L۲ (لندن ایندیانا آفیس) نگاشته به سال ۱۱۲۹/ی ۱۷۵۹م و دست‌نویس K10 از آن کتابخانه دانشگاه کپنهاگ، متعلق به سده ۱۲ی.

ب. گروه کم اهمیت‌تر که نماینده اصلی آنها دست‌نویس‌های L.1، M2 O2، B2، P.1 هستند. گذشته از نسخه L.1 با تاریخ مجعول ۸۰۴ی و B2 که بی‌تاریخ است، سه دست‌نویس O2، M2 و P.1 به ترتیب سال‌های ۱۰۵۰، ۱۰۲۶ و ۱۰۸۳ یزدگردی نوشته شده‌اند و از نظر زمانی نسبت به گروه برتر یا «گروه الف» قدیمی‌تر اند ولی بنابر معیارها و شواهدی که گلدنر ارائه می‌دهد، از ارزش کمتری برخوردارند.^{۲۹}

دست‌نویس کتابخانه ملی ملک، همچنان که از انجامه آن پیداست، دست‌نویسی است هندی که

به سال ۱۱۰۲ ی/۱۱۱۲ خ ۱۱۴۶ ق/۱۷۳۳ م در قصبه نوساری بندر سورت نگارش یافته است. تمام ویژگی‌های یک دستویس ساده هندی را دارد: کریا دارد نه نیرنگ، نقطه‌گذاری پس از واژگان به دقت رعایت شده است، انجامه گجراتی دارد و در بردارنده هر سه کتاب یسنا، ویسپرد و وندیداد برپایه ساختار معین جهت برگزاری مراسم یزشن است.

نخستین نکته گفتنی این که با وجود قدمت به نسبت چشمگیر آن، باز از آن دست نسخه‌هایی است که گلدنر ندیده است و از آن یاد نکرده است و در شمار ۱۹ دستویس وندیداد ساده‌ای که توصیف کرده‌اند، نیست. اما ضوابط و شاخص‌هایی که او برای سنجش پیوند دیگر دستویس‌های وندیداد ساده هندی با دو گروه بالا به دست داده است، نشان می‌دهد که این دستویس از گروه ب پیروی می‌کند و املاهای برخی واژگان کلیدی آن در فرگردهای بیست و دوگانه وندیداد همچون املاهای دستویس‌های گروه دوم است.^{۲۰} از این رو می‌توان به لحاظ اهمیت و ارزش، آن را در شمار دستویس‌های کم اهمیت پنداشت، هرچند به لحاظ زمانی قدمتی چشمگیر داشته باشد.

کاتب اثر با توجه به شجره‌نامه‌ای که به دست داده، اگرچه خود را هیربیدی هیربذزاده معرفی می‌کند ولی در جای دیگر از او نشانی بدست نیامد. داراب در آن زمان نامی رایج بوده است: داراب هر مزدیار معروف، داراب پهلان مقیم نوساری و همولایتی همین داراب رستم، همچنین، داراب پور هیربذ کومانا دادا داور اهل سورت و از شاگردان حاماسب ولایتی که بعدها در ۱۷۵۸ م معلم آنکتیل دوپرون شد و از قضا سامونل گایزه نخستین مالک شناخته شده این دستویس ماترک او- شاید از جمله همین دستویس‌ها- خرید؛ همگی از همرونگاران او هستند و در نگارش دستویس‌های اوستایی و دیگر متون دینی آوازه دارند^{۲۱} اما آن گونه که برمی‌آید، این داراب رستم به اندازه آنها شناخته شده نیست. به هر روی پارسیان هند در سده ۱۲ ی/۱۸ م با وجود اختلافات درونی، تلاش چشمگیری در نسخه‌برداری متون و کتاب آفرینی به عمل آوردند^{۲۲} که این اثر را نیز در این شمار باید دانست.

کتاب ساختاری را که در یادنامه شمس العلما پشتون سنجانا در خصوص ترکیب وندیداد ساده ارائه شده است، دنبال می‌کند. با این حال در دعاها و توضیحات آیینی آغاز و پایان هر بخش ویژگی‌ها و تفاوت‌های مربوط به خود را دارد. این ساختار که ترکیبی از سه بخش: ۱. یسنا و ویسپرد ۲. گاهان، ویسپرد و وندیداد ۳. یسنا است، به شرح جدول تفصیلی زیر می‌باشد:^{۲۳}